

# بررسی مختصری در خصوص

# ازدواج

## در مناطق شهری و روستایی استان خراسان



● فرخنده کاشف

ازدواج بدون تردید بزرگترین و مهمترین حادثه زندگی هر انسان است. افراد با انتخاب همسر، سفر پرفراز و نشیبی را آغاز می‌کنند و همسو با یکدیگر موانع موجود را پشت سر می‌گذارند. آرزوی هر جوان، ازدواجی موفق و داشتن یک زندگی مشترک توأم با شادی و تفاهم است. تصمیم در باره ازدواج تنها تصمیم در باره زندگی مشترک نیست، بلکه شمار زیادی از اعضای جامعه بویژه نسلهای آتی را در بر خواهد گرفت.

انسان نیازهای گوناگون مادی و روانی دارد و تداوم زندگی فردی او در اجتماع و با حضور دیگران امکانپذیر است.

خانواده نیز به عنوان اصلی‌ترین و کوچکترین نهاد جامعه، همچون صدفی است که اگر پایه‌های آن سنجیده و درست نباشد، هرگز مرواریدی را در خود پرورش نخواهد داد. زندگی مشترک، تنها در تأمین و رفع نیازهای مادی، اقتصادی و تداوم نسل نیست، بلکه حس مشارکت و تفاهم برای وسعت نگرش و امکان دستیابی به فرصتهای بیشتر است.

از نظر روانشناسی، ازدواج به معنای ایثار است، نه فقط برای یک طرف، بلکه برای هر دو طرف و کسی شایسته ازدواج است که نه از روی نیازهای اولیه، بلکه از روی ایثار قادر باشد که مهمترین نهاد اجتماعی را بنا کند. زندگی مشترک مبتنی بر قرارداد بین زن و مرد، برای ارضای نیازهای خود و به تبع

آن انجام کارکردهای مورد نیاز در خانواده است. این کارکردها شامل روحیه همکاری، تقسیم کار، تربیت کودکان و ایجاد مامن مهر و عطف است. یکی از عمده‌ترین پیش شرطهای ازدواج این است که شخص قبل از هر چیز خودش، خواسته‌ها و اهدافش را بشناسد.

روانشناسان بر این باورند که انسانها خواسته‌ها و نیازهای گوناگونی دارند و تا زمانی که در پی شناخت نیازها و نقاط قوت و ضعف خود نباشند با هر فردی دچار مشکل خواهند شد. به همین جهت شناخت خود، پیش از شناخت شریک زندگی ضرورت دارد و حل بحران هویت یکی از اساسی‌ترین راهها برای شروع یک زندگی مشترک است.

زندگی واقعی زمانی مفهوم پیدا می‌کند که فرد بتواند در جامعه به درجه‌ای از اعتماد، اطمینان و ایثار برسد که قادر باشد نه تنها خود را تعالی ببخشد، بلکه با دیگران نیز این تعالی را افزون سازد و ضمن تأثیرگذاری، تأثیرپذیر هم باشد.

بدیهی‌ترین و ملموس‌ترین این نوع اشتراک، در فضایی به نام خانه شکل می‌گیرد. دو انسانی که علائق، احساسات و تفکرات مختلفی دارند، اگر نتوانند در حالات و رفتارهای متفاوت خود نقطه مشترکی بیابند که در کنار حفظ مجموعه‌ای از ویژگیها و خصوصیات رفتاری به نشانه‌های مشترک

و روشنی دست پیدا کنند، موفق نخواهند بود. در جامعه ما انتخاب همسر به دلایل متعددی با نظارت خانواده‌ها صورت می‌گیرد؛ اگر چه افراد هنگام انتخاب شریک زندگی خود احساس می‌کنند که آزادانه دست به انتخاب می‌زنند، اما در واقع ناخودآگاه از الگوها و قواعد جامعه پیروی می‌کنند. در گذشته به دلیل وابستگی اقتصادی جوانان به خانواده و ضرورت احترام به والدین، انتخاب همسر با نظارت مستقیم خانواده انجام می‌شد، ولی امروزه جوانان به علت استقلال مالی یا اختلاف سلیقه و پذیرش هنجارهای جدید آنان با خانواده‌های خود، دچار تعارض هستند.

جامعه امروز ما در حال گذار از مرحله سنتی به مرحله پیچیده است و در چنین جامعه‌ای بتدریج نگرش «محاسبه‌گرانه» جایگزین نگرش «سنتی» و «برنامه‌ریزی» جایگزین «تفکر تقدیری» شده است. از این رو جوانان ترجیح می‌دهند که با برنامه‌ریزی قبلی و محاسبه امکانات کنونی و آینده، ازدواج کنند. بسیاری از کارشناسان امور اجتماعی و فرهنگی معتقدند، امروزه برای تداوم و استحکام خانواده و خوشبختی دختران و پسران در ازدواج، آشنایی آنان با وظایف و حقوقی که طرفین باید نسبت به آن متعهد شود و رعایت کنند ضروری است. در واقع پدران و مادران باید در عمل به فرزندان خود ملاکهای اصیل و بنیادین انتخاب همسر و شریک



زندگی را بیاموزند؛ در حالی که متأسفانه بعضی از جوانان، بدون تجربه و کسب اطلاعات لازم به چنین امر مهم و سرنوشت‌سازی اقدام می‌کنند و با مشکلات فراوانی روبرو می‌شوند.

از سوی دیگر، جوانان نیز برای گزینش شریک زندگی، ملاکها و معیارهایی دارند که بسیاری از آنها مهم و متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی و نیز برگرفته از فرهنگی است که کمتر ریشه در اعتقادات مذهبی - ملی ما دارد. ضروری است دست‌اندرکاران و نیز کارشناسان مربوط با بازنگری کارنامه اقدامهای فرهنگی - تبلیغاتی از سویی و سیاه کردن خواستها و معیارهای جوانان در گزینش همسر از سوی دیگر به میزان ثمردهی این فعالیتها در جهت تحکیم و تثبیت باورهای مذهبی - ملی در میان جوانان بپردازند (۱).

به گزارش ایرنا بر اساس تحقیقی که توسط دو تن از اعضای هیئت علمی دانشگاه تبریز انجام شده، ۷۸/۲ درصد از دانشجویان، اعتقادات مذهبی را از عوامل تسهیل‌کننده ازدواج دانسته‌اند. علاوه بر این تحصیلات دانشگاهی و تناسب سنی طرفین را نیز از دیگر عوامل مهم تلقی کرده‌اند.

در این تحقیق ۸۱/۸ درصد از دانشجویان، امکان آشنایی قبل از ازدواج در محدوده شرعی را خیلی مهم دانسته و ۸۰ درصد دانشجویان به مقدس شمردن ازدواج به عنوان یک سنت الهی معتقد بودند. ۷۷/۶ درصد دانشجویان آگاهسازی جوانان از اهمیت ازدواج را بسیار مهم ذکر کرده‌اند.

۵۷/۶ درصد، وضع اقتصادی خوب خانواده را کم اهمیت دانسته و ۷۱/۲ درصد، اعطای حق انتخاب همسر برای طرفین از سوی خانواده را با اهمیت یاد کرده‌اند.

زهرا آیت‌اللهی استاد دانشگاه در گفتگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشته است: «اکنون حدود ۶ میلیون پسر و دختر در سن ازدواج داریم که میانگین سنی ازدواج در شهر ۲۶/۲ سال و در روستا ۲۴/۵ سال است. طبق این آمار فقط ۲ درصد از ازدواجها در ایران در سن زیر ۱۶ سال انجام می‌شود. بدیهی است حصول حداقل سنی به معنای جواز ازدواج دختر و پسر نیست بلکه جمع شرایط، زمینه اجرای حکم را فراهم می‌کند».

وی اضافه کرده است: «هر سال در آمریکا حدود ۴۰۰ هزار سقط جنین در زنان کمتر از ۲۰ سال صورت می‌گیرد که بیشتر آنها در بین نوجوانان غیر متأهل است. لذا محققان آمریکایی می‌گویند: تخمین زده می‌شود در آمریکا ۷۰ درصد زنان مجرد ۱۹ ساله و ۸۰ تا ۹۰ درصد مردان مجرد روابط

نامشروع دارند (۲)».

دقت و تأمل در آمارهای رسمی کشور در مورد بحث ازدواج، می‌تواند بسیاری از مشکلات نهفته گوناگون را مدنظر برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران بخشهای مختلف قرار داده تا با شناخت بیشتر در مسئله بتوان به راه‌حلهای منطقی با توجه به فرهنگ جامعه پی برد.

این مقاله سعی دارد با حالت مقایسه‌ای بین آمار تبدیل شده به درصد (نسبتها) در دو مناطق مختلف شهری و روستایی در استان خراسان، به تجزیه و تحلیل مسائل پرداخته و با جمع‌بندی موارد مربوط به ازدواج، رهنمودهای لازم را ارائه دهد.

### جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده

جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده شامل گروههای زیر است:

★ **دارای همسر:** افرادی که عقد ازدواج بسته‌اند، اعم از اینکه در زمان مراجعه مأمور سرشماری با همسر خود زندگی مشترک داشته یا نداشته باشند.

★ **بی‌همسر بر اثر فوت:** افرادی که همسرشان فوت کرده و تا زمان آمارگیری مجدداً ازدواج نکرده‌اند.

★ **بی‌همسر بر اثر طلاق:** افرادی که از همسر خود بر اثر طلاق جدا شده و تا زمان آمارگیری مجدداً ازدواج نکرده‌اند.

در سال ۱۳۷۵ بیش از ۵۴/۴ درصد از جمعیت مردان ۱۰ سال و بیشتر استان حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند که این نسبت در مناطق شهری بین مردان

۵۶/۲ درصد و در نقاط روستایی ۵۵/۸ درصد می‌باشد. در سال ۱۳۷۵ بیش از ۵۴/۹ درصد از جمعیت زنان ۱۰ سال و بیشتر استان حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند که این نسبت در زنان مناطق شهری و روستایی به ترتیب؛ ۶۰/۶ درصد و ۵۹/۳ درصد می‌باشد و این میزان در بین زنان شهری بیشتر است. (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: نسبت درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده در جمعیت ده سال و بیشتر به تفکیک جنس و مناطق در سال ۱۳۷۵

جنس	کل	شهری	روستایی
مرد	۵۴/۴	۵۶/۲	۵۵/۸
زن	۵۴/۹	۶۰/۶	۵۹/۳

### ● دارای همسر

بر اساس جدول شماره (۲) نسبت افراد دارای همسر در بین مردان در سال ۱۳۷۵ در کل استان ۵۳ درصد و در بین زنان استان ۵۴ درصد است که همین نسبت در مناطق شهری و روستایی به تفکیک مرد و زن به ترتیب از ۵۲ درصد و ۵۴/۶ درصد و در مناطق روستایی ۵۴ درصد و ۵۳ درصد می‌باشد. آنچه قابل توجه است نسبت درصد زنان شهری بیش از زنان روستایی است و عکس آن در بین مردان است. یعنی درصد بیشتری در بین مردان روستایی نسبت به مردان شهری دیده شده است.

### ● بی‌همسر بر اثر فوت همسر

زنانی که همسرشان فوت شده همواره چندین برابر مردان بی‌همسر بر اثر فوت بوده‌اند. در سال



۱۳۷۵ حدود ۱/۲ درصد از مردان در کل استان همسرانشان فوت کرده است، در حالی که این نسبت برای زنان استان (با ۵ درصد) برابر است. طبق جدول شماره (۲) برخی از عواملی که می‌توانند در این امر تأثیر بگذارند عبارت‌اند از:

۱. در جامعه ما امکان ازدواج مجدد برای مردانی که همسرانشان فوت کرده خیلی بیشتر از زنان است.
۲. میانگین سن ازدواج در مردان بیشتر از زنان است.
۳. امید زندگی زنان بیشتر از مردان است.
۴. تعدد همسر در مردان.

### ● بی‌همسر بر اثر طلاق

نسبت زنانی که بر اثر طلاق بی‌همسر می‌شوند همواره بیشتر از مردان است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۰/۴ درصد از زنان بر اثر طلاق از همسرانشان جدا شده‌اند، در حالی که این نسبت برای مردان ۰/۲ درصد است. علت اصلی این امر امکان بیشتر ازدواج مجدد برای مردان نسبت به زنان و تعدد همسر در مردان است. مردانی که چند همسر داشته باشند در صورتی که یکی از آنها بر اثر طلاق جدا شود یا فوت کند، «مرد بی‌همسر» خوانده نمی‌شود، در حالی که زن بر اثر فوت همسر یا بر اثر طلاق، بی‌همسر خوانده می‌شود. (جدول شماره ۲)

**نسبت زنانی که بر اثر طلاق بی‌همسر می‌شوند همواره بیشتر از مردان است. در سال ۱۳۷۵ حدود ۰/۴ درصد از زنان بر اثر طلاق از همسرانشان جدا شده‌اند، در حالی که این نسبت برای مردان ۰/۲ درصد است**

زناشویی تأثیر مثبت دارد، باعث به وجود آمدن نسلی بهتر می‌گردد. زنانی که از سطح سواد و آموزش عمومی بالاتری برخوردارند در تربیت جسمی و روحی فرزندان موفق‌ترند و بهتر می‌توانند از وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات برای سلامتی فرزند و رشد فرهنگی او بهره‌گیرند.

از طرف دیگر بالا رفتن سن ازدواج بر اثر افزایش سواد و سطح تحصیلات هر چند باعث کاهش دوره‌های باروری شده و از نظر سیاست کنترل جمعیتی احتمالاً میزان مولید را پایین می‌آورد، اما بهتر است برای توقف افزایش سن ازدواج تدابیری اندیشیده شود و به منظور جلوگیری از رشد جمعیت با توسعه وسایل پیشگیری می‌توان فاصله بین اولین فرزند و ازدواج را بویژه در قشر باسواد طولانی‌تر نمود.

همانطور که در جدول شماره (۳) آورده شده

جدول شماره (۲): توزیع نسبی جمعیت ده سال و بیشتر بر حسب وضع زناشویی، جنس و مناطق در سال ۱۳۷۵

شرح	دارای همسر		بی‌همسر بر اثر		هرگز ازدواج نکرده
	مرد	زن	فوت	طلاق	
کل	۵۳	۵۴	۱/۲	۰/۲	۴۵
	مرد	زن	۵	۰/۴	۳۸
شهری	۵۲	۵۴/۶	۴	۰/۲	۴۶
	مرد	زن	۵/۴	۰/۶	۳۸
روستایی	۵۴	۵۳	۱/۷	۰/۱	۴۳
	مرد	زن	۶	۰/۳	۳۹/۶

نکته: به علت اینکه درصد اظهار نشده‌ها در جدول نیامده است جمع سطرها ۱۰۰ نمی‌شود.

### سواد و زناشویی

از آنجاییکه سواد عامل بسیار مهمی در ازدواج محسوب می‌شود این مورد، باید تجزیه و تحلیل شود. افزایش باسوادی علاوه بر اینکه بر خود

دست داده‌اند در بین بی‌سودان، بیشتر از افراد باسواد هستند. البته به غیر از سواد عامل سن نیز در اینجنا تأثیرگذار می‌باشد، زیرا میانگین سن افراد بی‌سواد بسیار بالاتر از افراد باسواد است. همچنین تعداد افرادی که از همسرانشان در اثر طلاق جدا شده‌اند در بین افراد بی‌سواد بالاتر از باسوادان است.

در بین زنان استان ۷۵ درصد از بی‌سوادان در برابر ۴۷ درصد از باسوادان دارای همسر هستند. بر اساس آمار جدول شماره ۳ حدود ۱۸ درصد زنان بی‌سواد همسرانشان فوت کرده است. در حالی که این نسبت برای افراد باسواد حدود ۱/۶ درصد است. بنابراین زنان بی‌سوادی که همسرانشان فوت کرده‌اند بیش از ۱۱ برابر زنان باسواد بی‌همسر بر اثر فوت می‌باشند.

حدود ۶ درصد از زنان بی‌سواد در برابر ۵۰ درصد از زنان باسواد در کل استان هرگز ازدواج نکرده‌اند. این نسبتها برای زنان شهری و روستایی در جدول مقایسه شده است. با این شاخصها اهمیت سواد برای سلامت بیشتر زناشویی و باروری روشن می‌شود. (جدول شماره ۳)

### سن ازدواج

سن ازدواج، شاخصی است که از شرایط اجتماعی - اقتصادی جامعه تأثیر می‌پذیرد. به عنوان مثال در صورتی که جامعه در حال رشد و شکوفایی بوده و سایر شرایط ثابت فرض شود، سن ازدواج پایین می‌آید و برعکس بحرانهای اقتصادی و تورم باعث افزایش سن ازدواج می‌شود.

بر اساس آمار سال ۱۳۶۵ بیشترین گروه سنی مردان دارای همسر در ردیف ۲۵-۲۹ ساله و زنان دارای همسر در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله قرار داشته‌اند و این آمار در مناطق روستایی بالاترین سن ازدواج را در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله برای مردان و زنان دارای همسر نشان داده است.

در سال ۱۳۷۵، در سطح کل استان بیشترین میزان آمار مردان و زنان دارای همسر مربوط به ردیف سنی ۲۵-۲۹ ساله بوده است.

در مناطق شهری در بین مردان دارای همسر در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله و در بین زنان دارای همسر در گروه سنی ۲۰-۲۹ ساله، بیشترین آمار وجود دارد. شایان توجه است که اگر دقت شود در بین مردان و زنان شهری یک گروه سنی، تفاوت وجود دارد ولی در بین مردان و زنان روستایی تعداد بیشترین ازدواج در یک گروه سنی (۲۵-۲۹ ساله) قرار دارد.

است در سال ۱۳۷۵ حدود ۴۶/۶ درصد از جمعیت باسواد ۱۰ سال و بیشتر استان دارای همسر بوده‌اند، در حالی که این نسبت برای افراد بی‌سواد حدود ۷۹/۳ درصد بوده است.

مردان و زنانی که همسرانشان را در اثر فوت از

مناطق شهری	۱۳۶۵	۱۳۷۵
زنان	۲۰-۲۴ سال	۲۵-۲۹ سال
مردان	۲۵-۲۹ سال	۳۰-۳۴ سال

این امر در حالی است که در سال ۱۳۷۵ هیچگونه اختلافی از نظر گروه سنی در بیشترین گروه سنی دارای همسر، بین مردان و زنان روستایی دیده نمی‌شود و بیشترین گروه سنی دارای همسر برای زنان و مردان روستایی در گروه

سال ۱۳۷۵ در مناطق شهری روستایی (در هر دو مناطق) در یک گروه سنی (۲۵-۲۹ سال) قرار دارند. با مقایسه آمار سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵ مناطق شهری مشاهده می‌شود که در بیشترین گروه سنی دارای همسر، برای زنان و مردان، این میزان به یک گروه سنی بالاتر، تغییر یافته است و همچنان یک گروه سنی اختلاف بین زنان و مردان، در بیشترین گروه سنی دارای همسر در مناطق شهری دیده می‌شود.

بیشترین گروه سنی مردان دارای همسر در مناطق شهری در سال ۱۳۷۵، در گروه سنی بالاتر از مردان روستایی قرار دارند.

مردان	گروه سنی (سال)
شهری	۳۰-۳۴
روستایی	۲۵-۲۹

و اما بیشترین گروه سنی زنان دارای همسر در

جدول شماره (۳): توزیع نسبی جمعیت ده سال و بیشتر استان بر حسب وضع زناشویی، جنس، سواد و مناطق در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۵

هرگز ازدواج نکرده	بی همسر بر اثر طلاق	بی همسر بر اثر فوت	دارای همسر	جمع	شرح			
					زن و مرد	کل		
۵۵	۰/۴	۰/۹	۴۴	۱۰۰	زن و مرد	کل	۱۳۶۵	باسواد
۵۴	۰/۳	۰/۶	۴۵	۱۰۰	مرد	شهری		
۵۵	۰/۵	۱/۴	۴۲		زن			
۴۹	۰/۵	۰/۱	۵۰	۱۰۰	مرد و زن	روستایی		
۵۰	۰/۴	۰/۵	۴۹		مرد			
۴۷	۰/۶	۱/۷	۵۱	زن				
۶۶	۰/۱	۰/۵	۲۵	۱۰۰	زن و مرد	کل	۱۳۶۵	بی سواد
۶۰	۰/۱	۰/۶	۳۹		مرد			
۷۲	۰/۲	۰/۶	۲۷	زن				
۱۴	۰/۶	۸	۷۷	۱۰۰	زن و مرد	شهری		
۱۵/۵	۰/۴	۴	۸۰		مرد			
۱۳	۰/۷	۱۱	۷۵	زن				
۹	۰/۸	۱۰	۸۰	۱۰۰	زن و مرد	کل	۱۳۷۵	باسواد
۱۲	۰/۵	۳	۸۴		مرد			
۶	۲	۱۵	۷۸	زن				
۱۷	۰/۴	۷	۷۶	۱۰۰	زن و مرد	شهری		
۱۷	۰/۴	۴	۷۹		مرد			
۱۶	۰/۳	۹	۷۴	زن				
۵۱	۰/۳	۴۶/۶	۴۶/۴	۱۰۰	زن و مرد	کل	۱۳۷۵	بی سواد
۵۳	۰/۲	۰/۴	۴۶/۴		مرد			
۵۰	۰/۴	۱/۶	۴۷	زن				
۴۸	۰/۴	۰/۱	۵۰	۱۰۰	زن و مرد	شهری		
۵۰	۰/۲	۰/۴	۴۹		مرد			
۴۵	۰/۵	۱/۶	۵۲	زن				
۷۰	۰/۲	۰/۶	۴۰	۱۰۰	زن و مرد	روستایی		
۵۸	۰/۱	۰/۴	۴۲		مرد			
۵۷	۰/۲	۰/۸	۳۸	زن				
۶/۵	۰/۶	۱۳	۷۹/۳	۱۰۰	زن و مرد	کل	۱۳۷۵	بی سواد
۷	۰/۴	۵	۸۷		مرد			
۶	۰/۸	۱۸	۷۵	زن				
۵/۵	۰/۸	۱۷	۷۶		زن و مرد	شهری		
۸	۰/۶	۵/۵	۸۶		مرد			
۴	۱	۲۴	۷۰	زن				
۷	۰/۴	۱۱	۸۱		زن و مرد	روستایی		
۶/۵	۰/۴	۵	۸۷		مرد			
۷	۰/۵	۱۵	۷۷	زن				

سنی ۲۵ تا ۲۹ سال دیده می‌شود. (سرشماری نفوس و مسکن استان خراسان، نتایج تفصیلی، سال ۱۳۶۵-۱۳۷۵)

### زناشویی و وضع فعالیت

دقت در آمار میزان شاغلان در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ در مناطق شهری و روستایی در بین زنان و مردان، نکات مهمی را برای برنامه‌ریزان - به عنوان جهت‌دهی منطقی و مناسب به برنامه‌ها - روشن می‌کند.

در کل استان تعداد شاغلان و بیکاران دارای همسر در بین مردان و زنان عبارتند است از :

در سال ۱۳۶۵؛  
۷۸ و ۳۷ درصد برای مردان  
۴۹ و ۱۱/۵ درصد برای زنان

این آمار نشان می‌دهد که تعداد شاغلان مرد نسبت به زن قابل توجه می‌باشد (جدول شماره ۴) تعداد بیکاران مرد نسبت به زنان بیکار دارای همسر، بسیار بالاست و این درحالی است که تعداد مردان و زنان شاغل و بیکار هرگز ازدواج نکرده در سطح استان نیز عبارت است از :

۱۹/۳ و ۷۸ درصد مردان شاغل و بیکار هرگز ازدواج نکرده

۴۲ درصد زنان شاغل و بیکار هرگز ازدواج نکرده

بر اساس آمار موجود؛ شاغلان زن ازدواج نکرده بیشتر از مردان است که این امر نشانگر آن است که اگر زنان از نظر مالی منبع درآمدی داشته باشند، میزان ازدواج در میان آنها نسبت به مردان کاهش می‌یابد.

تفاوت بین شاغلان و بیکاران در میان خود زنان نیز قابل توجه است، یعنی تعداد بیکاران زن ازدواج نکرده از ۷۸ درصد به ۴۲ درصد زنان شاغل ازدواج نکرده رسیده است و این مسئله در مورد مردان نیز صادق است.

از مقایسه آمار سال ۱۳۶۵ با ۱۳۷۵ می‌توان دریافت که شاغلان مرد دارای همسر در سطح استان، افزایش یک درصدی را نشان می‌دهد، لیکن تفاوت بین بیکاران مرد دارای همسر در دهه ۱۳۶۵ با ۱۳۷۵ بسیار زیاد است، چنان که تعداد بیکاران «مرد» دارای همسر در سال ۱۳۷۵ کاهش قابل ملاحظه‌ای داشته و از ۳۷ درصد به ۱۹ درصد نوسان داشته است. این امر نشان می‌دهد، در فاصله گذشت یک دهه برای جوانان، سطح توقع آنها از خود برای شروع یک زندگی، بیشتر و آگاهانه‌تر شده است، به گونه‌ای که تا یک شغل مناسب نداشته باشند، کمتر به ازدواج فکر می‌کنند.

همین موضوع در میان مردان هرگز ازدواج نکرده شاغل، از ۲۸ درصد به ۱۹/۳ درصد، کاهش داشته و تعداد بیکاران نیز از ۵۸ به ۷۸ درصد افزایش یافته است که تفاوت‌های نگرشی مردان را برای ازدواج نشان می‌دهد. چنان که هر قدر میزان بیکاری بیشتر شود، میزان ازدواج کاهش می‌یابد. (جدول شماره ۴)

دقت در آمار «تفاوت مردان و زنان دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده در مناطق شهری و روستایی در سطح استان خراسان نیز گویای مسایل مهمی است که گاهی بر خلاف افکار عمومی می‌باشد. (جدول شماره ۴)

برای نمونه تعداد بیکاران هرگز ازدواج نکرده در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است؛ چنان که در مناطق روستایی؛ ۸۷ درصد و در مناطق شهری؛ ۸۱ درصد از زنان بیکار در سال ۱۳۷۵ ازدواج نکرده‌اند و این امر نشان می‌دهد که زمینه‌های ایجاد اشتغال برای زنان در شهرها نسبت به زنان روستایی بیشتر است و همچنین وظایف زنان روستایی به عنوان یک شغل رسمی در آمار رسمی کشور به حساب نمی‌آید که باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

تعداد شاغلان دارای همسر در روستا در سال ۱۳۷۵ (با ۷۷ درصد) کمتر از مناطق شهری (با ۸۹

درصد) می‌باشد و باینکه تفاوت ۸ درصدی، نشان می‌دهد که مسئله ایجاد فرصتهای شغلی برای زنان مطرح است.

تعداد شاغلان زنان هرگز ازدواج نکرده در روستا نسبت به شهر خیلی بیشتر است (روستا ۵۰ درصد و شهر ۱۹ درصد) که این مسئله به رغم آنکه آمار مستندی از مشاغل زنان روستایی وجود ندارد، ولی به علت آنکه معمولاً زنان تا قبل از ازدواج منبع درآمد هستند، افزایش را نشان می‌دهد. اما بعد از ازدواج تعداد شاغلان کاهش می‌یابد که این امر بیانگر آن است که در بیشتر موارد مرد (همسر زن) یا اجازه فعالیت در خارج از منزل را به زن روستایی نمی‌دهد و یا اینکه به خاطر انجام وظایف روزانه، امکان ادامه فعالیت برای او فراهم نمی‌شود.

تعداد شاغلان دارای همسر در بین زنان شهری بیش از مناطق روستایی (۷۴ درصد در شهر و ۴۳ درصد در روستا) است که این مورد نشاندهنده آن است که زمینه‌های فعالیت برای زنان شهری بیشتر فراهم می‌باشد. (جدول شماره ۴)

### زنان هرگز ازدواج نکرده

در سال ۱۳۷۵، حدود ۴۵ درصد مردان و ۳۸ درصد زنان در سطح استان هرگز ازدواج نکرده‌اند. نکته قابل توجه این است که نسبت زنان هرگز ازدواج نکرده (۳۸ درصد) بسیار پایین‌تر از مردان (۴۵ درصد) است و علت اصلی آن پایین‌تر بودن میانگین سن در اولین ازدواج زنان می‌باشد. (جدول شماره ۵)

هر چه نسبت زنان دارای همسر بیشتر شود، یک علت عمده آن می‌تواند بالاتر بودن امید به زندگی باشد، یعنی تعداد سالهای زندگی مشترک و همسراری افزایش می‌یابد.

اگر زنان هرگز ازدواج نکرده را در مناطق شهری و روستایی در سطح استان از نظر میزان سواد

جدول شماره (۴): جمعت ده ساله و بیشتر بر حسب جنس، وضع زناشویی و وضع فعالیت (منبع شماره ۱)

جمعیت فعال به ترتیب سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵	کل (درصد)		شهری (به درصد)				روستایی (به درصد)			
	دارای همسر		هرگز ازدواج نکرده		دارای همسر		هرگز ازدواج نکرده			
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
شاغلان	۷۹-۷۸	۵۵-۴۹	۳۸-۴۲	۱۹/۳-۳۸	۷۷-۷۸	۴۳-۳۹	۲۱-۱۹	۵۳-۵۰		
بیکاران	۱۹-۳۷	۱۲-۱۱/۵	۷۸-۵۸	۴۲-۷۸	۱۷-۳۵	۱۰-۱۰	۸۲-۶۱	۷۹-۸۷		



جدول شماره (۵): جمعیت ده ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده بر حسب جنس و سطح سواد در مناطق شهری و روستایی (۱۳۷۵)

(منبع شماره ۱)

جنس	کل		شهری		روستایی	
	باسواد	بی سواد	باسواد	بی سواد	باسواد	بی سواد
مرد و زن	۹۶	۳	۹۸	۱/۶	۹۴	۵/۴
مرد	۹۷	۲/۶	۹۸	۱/۶	۹۶	۴
زن	۹۶	۴	۹۸	۱/۶	۹۳	۷



۷. درصد زنان بی سواد دارای همسر، کمتر از درصد زنان باسواد دارای همسر در کل استان بوده است.

زنان	بی سواد	باسواد
دارای همسر	۷۵	۴۷

۸. در سال ۱۳۷۵ تفاوت ردیف گروه سنی در بالاترین میزان نسبت دارای همسر در بین زنان و مردان روستایی وجود نداشته است، ولی در مناطق شهری با یک ردیف گروه سنی، این تفاوت وجود داشته است.

بیشترین درصد مردان دارای همسر در مناطق شهری؛ ۳۰-۳۴ سالگی  
بیشترین درصد زنان دارای همسر در مناطق شهری؛ ۲۵-۲۹ سالگی  
بیشترین درصد مردان و زنان دارای همسر در مناطق روستایی؛ ۲۵-۲۹ ساله  
۹. در سال ۱۳۷۵ در کل استان، تعداد زنان شاغل ازدواج نکرده، بیشتر از مردان بوده است.

زنان (درصد)	مردان (درصد)
۸۴	۱۹/۳

۱۰. تعداد شاغلان زن ازدواج نکرده روستایی خیلی بالاتر از مناطق شهری بوده است.

شاغلان ازدواج نکرده	شهری (به درصد)	روستایی (به درصد)
زنان	۱۹	۵۰

۲/۰ درصد) بوده است.  
۴. مردان و زنانی که همسرانشان را در اثر فوت از دست داده‌اند در بین بی سوادان بیشتر از افراد باسواد بوده‌اند.

بی همسر بر اثر فوت همسر در بین باسوادان و بی سوادان (۱۳۷۵)

بی همسر بر اثر فوت همسر	باسواد	بی سواد
کل	۰/۹	۱۳
شهری	۰/۱	۱۷
روستایی	۰/۶	۱۱

۵. در سال ۱۳۷۵ نسبت مردان و زنان بی سواد دارای همسر بیش از نسبت مردان و زنان باسواد دارای همسر بوده است.

مرد و زن	باسواد	بی سواد
دارای همسر	۴۶/۶	۷۹/۳

۶. نسبت مردان و زنان بی سواد هرگز ازدواج نکرده بسیار پایینتر از نسبت مردان و زنان باسواد هرگز ازدواج نکرده بوده است.

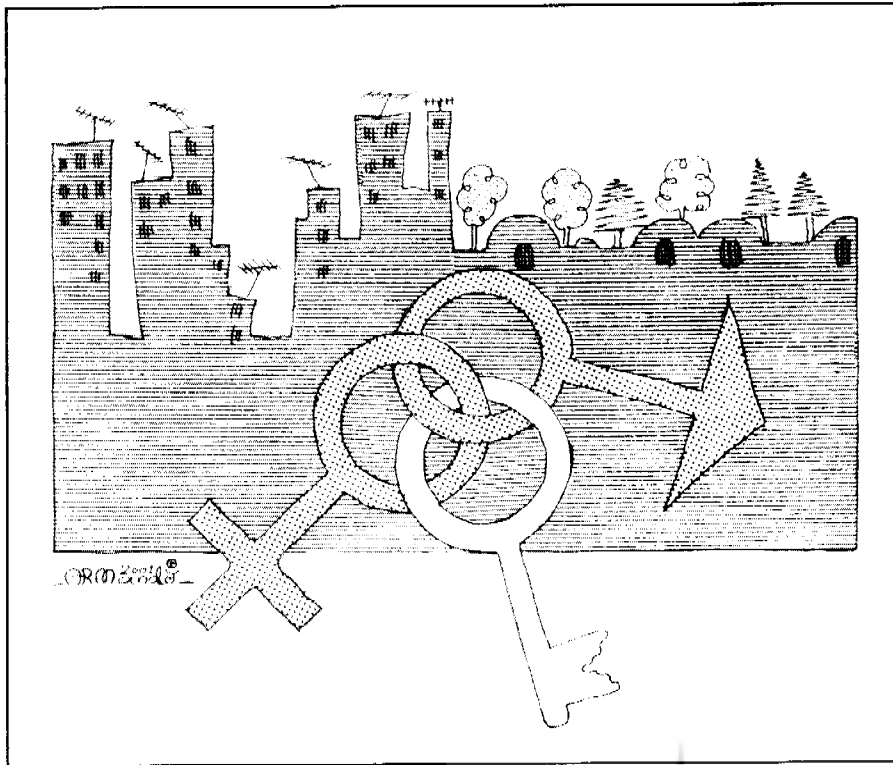
هرگز ازدواج نکرده	باسواد	بی سواد
مرد و زن	۵۱	۶/۵
مرد	۵۳	۷
زن	۵۰	۶

و بی سواد آنها مقایسه کنیم این نتایج حاصل می شود که در سطح استان مردان و زنان ازدواج نکرده؛ ۹۶ درصد باسواد و ۳ درصد بی سواد بوده‌اند و این در حالی است که در مناطق شهری، مرد و زن هرگز ازدواج نکرده شامل ۹۸ درصد باسواد و ۱/۶ درصد بی سواد می باشد و در مناطق روستایی ۹۴ درصد باسواد و ۵/۴ درصد بی سواد است. (جدول شماره ۵)

آنچه که قابل تأمل است، تعداد بی سوادان هرگز ازدواج نکرده روستایی نسبت به شهری است که تقریباً ۴ برابر می باشد و این امر نشان دهنده نبود تعادل امکانات آموزشی در مناطق شهری و روستایی است که هر چه بیشتر باید مورد توجه برنامه ریزان برای رفع محرومیت از مناطق روستایی، قرار گیرد. نکته مهم دیگر، تفاوت بسیار زیاد بین زنان باسواد و بی سواد هرگز ازدواج نکرده در مناطق شهری و روستایی می باشد که در مناطق شهری، ۱/۶ درصد و در مناطق روستایی، ۷ درصد است و علاوه بر این، فاصله ای است که بین مناطق شهری و روستایی (بین زنان و مردان) و همچنین زنان شهری با زنان روستایی وجود دارد. (جدول شماره ۵)

نتیجه گیری و پیشنهادها

۱. در آمار سال ۱۳۷۵، درصد زنان حداقل یک بار ازدواج کرده مناطق شهری (۶۰/۵ درصد) بیش از درصد زنان روستایی (۵۹ درصد) حداقل یک بار ازدواج کرده بوده است.
۲. زنانی که همسرانشان فوت شده (۶ درصد) چندین برابر مردان بی همسر (۱/۲ درصد) در سال ۱۳۷۵ در سطح استان بوده‌اند.
۳. نسبت زنانی که در کل استان بر اثر طلاق بی همسر شده‌اند (۰/۴ درصد همواره بیش از مردان



۱۱. درصد بیکاران مرد هرگز ازدواج نکرده شهری کمتر از درصد بیکاران مرد هرگز ازدواج نکرده روستایی بوده است.

بیکار	شهری	روستایی
مرد	۷۵/۵	۸۲

۱۲. درصد زنان بیکار هرگز ازدواج نکرده روستایی بیشتر از درصد زنان بیکار هرگز ازدواج نکرده شهری بوده است.

بیکاران هرگز ازدواج نکرده	شهری (به درصد)	روستایی (به درصد)
زنان	۸۱	۸۷

۱۳. میزان طلاق در بین زنان و مردان بی سواد در کل استان (شهری و روستایی) نسبت به میزان طلاق زنان و مردان باسواد بیشتر بوده است.

میزان طلاق در کل استان	باسواد	بی سواد
شهر	۰/۳	۰/۶
روستا	۰/۴	۰/۸

۱۴. میزان طلاق در زنان باسواد بیش از زنان روستایی بوده است.

میزان طلاق	شهری (به درصد)	روستایی (به درصد)
باسواد	۰/۵	۰/۲

۱۵. میزان طلاق در زنان بی سواد شهری بیش از زنان بی سواد روستایی بوده است.

میزان طلاق	شهری (به درصد)	روستایی (به درصد)
بی سواد	۱	۰/۵

۱۶. اختلاف زنان بی سواد و باسواد هرگز ازدواج نکرده شهر نسبت به روستا زیاد بوده است. کشور ما جمعیت جوانی دارد که خواسته‌های طبیعی و معقولی دارند و یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های آنان ازدواج است. دختران برای ازدواج کردن، شاید اجباری در شاغل شدن و کسب درآمد

بی‌اعتنایی در حل مسئله اشتغال و ازدواج جوانان و اعتقاد به رفع «خود به خودی» و آزاد گذاردن آنان در این راه بی‌هیچ قید و شرطی، نه تنها به حذف این مسئله نمی‌انجامد، بلکه عامل بروز مشکلات روحی و اخلاقی دیگری نیز می‌شود.

اختلاف زنان هرگز ازدواج نکرده	باسواد (به درصد)	بی سواد (به درصد)
شهر	۹۸	۱/۶
روستا	۹۳	۷

چه سریعتر جهت رفع نیازهای اصولی و زیربنایی و نیز افزایش و ارتقای منزلت افراد در اجتماع (چه در جامعه روستایی و چه شهری)، زمینه‌های ازدواج سالم را (با توجه به شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حرکت به سوی یک جامعه سالم)، شناسایی کرده و مقدمات آن را بر اساس آمادگی، بلوغ عقلی و مسئولیت پذیری افراد در جامعه فراهم سازند تا ان شاء الله... هم از پیامدهای ازدواج‌های زود هنگام ناخواسته و اجباری جلوگیری شود و هم جوانان از مزایای ازدواج بموقع و موفق بهره‌مند شوند تا از این طریق بسیاری از مشکلات جامعه به صورت منطقی و اصولی مرتفع شود.

#### منابع و مآخذ

۱. آمارنامه سرشماری نفوس و مسکن استان خراسان، ۱۳۷۵.
۲. «منابع و محدودیت‌های ازدواج»، نشریه همسر، سال دوم، شماره ۲، ص ۲۲.
۳. پورصدرا، بنفشه، نتایج یک نظرسنجی تازه: معیار دختران برای ازدواج، تحصیل و درآمد، روزنامه ایران، ۷۸/۳/۲.
۴. ولی‌زاده، علی، «آخرین یافته‌های تحقیقاتی ازدواج در ایران»، خراسان، ۷۸/۴/۴.

جهت گذراندن زندگی، نداشته باشند، اما مردان برای ایجاد زندگی مشترک نیازمند شغل و کسب درآمد هستند.

بی‌اعتنایی در حل مسئله اشتغال و ازدواج جوانان و اعتقاد به رفع «خود به خودی» و آزاد گذاردن آنان در این راه بی‌هیچ قید و شرطی، نه تنها به حذف این مسئله نمی‌انجامد، بلکه عامل بروز مشکلات روحی و اخلاقی دیگری نیز می‌شود.

جوان بیکار و علاقه‌مند به ازدواج وقتی خود را ناتوان در حل چنین مشکل بزرگ ببیند و شاهد تلاش‌های پیگیر کسی هم نباشد یا خواسته‌اش را سرکوب می‌کند و یا برای ارضای آن به راه‌های دیگر (اغلب نامشروع و غیراخلاقی) دست می‌زند و مهمتر آنکه رفتارهای بی‌بند و بار بین جوانان (دختر و پسر) در جامعه به سرعت شایع شده و قبح‌اش را از دست می‌دهد.

امید است که دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان مسائل شهری و روستایی - با توجه به اصل تأمین عدالت اجتماعی - با شناخت از مناطق مختلف، هر